

به هم رحم کنید تا خدای متعال به شما رحم کند. کسانی که زرنگی و هوش و امکانات و قدرت و مسؤولیت و توانایی های گوناگون فردی و اجتماعی دارند، از این توانایی ها در راه تعدی به دیگران استفاده نکنند. خود را بنده خدا بدانیم؛ در مقابل بقیه بندگان خدا، خود را موظف به همراهی، احسان، نیکی و رعایت انصاف بدانیم؛ آن گاه باران رحمت و فضل خدا بر سر ما خواهد بارید و برکات خود را بر ما نازل خواهد کرد.

دو ماه دیگر قرار است چه اتفاقی بیفتد؟!

- کیهان: ۱-** دو ماه دیگر قرار است چه اتفاق جدیدی بیفتد؟ معجزه می شود و اروپایی که همواره دنباله‌رو و تسلیم آمریکا بوده و همواره با ما دشمنی و بدعهدی کرده، تغییر جوهری در هویت متصلب خود خواهد داد یا به مسیر گذشته ادامه می دهد. آیا واقعا کشف موضع اروپا دو ماه زمان خواهد برد؟
- ۲-** اروپایی ها جواب موثر و سودبخشی ندارند بدهند، چون اراده مستقلی ندارند. جواب سؤال ما درباره دو ماه بعد، در سخنان چهارشنبه گذشته آقای روحانی نهفته است که به درستی گفت: «مشکل اروپا این است که آمریکا را کدخدا می داند. در مقام عمل متاسفانه ناتوان بودند. سال ۸۳ وقتی مذاکره می کردیم، مشکلی بود و آن اینکه اروپایی ها آمریکا را کدخدای خود می دانستند؛ الان اوضاع کمی بهتر شده ولی همچنان این تفکر وجود دارد.»
- ۳-** گام بعدی ما چیست؟ دولت تدبیری اندیشیده یا نه؟ ما اکنون در حال زمان خریدن هستیم یا از دست دادن زمان و فرصت سوزی؟ اگر به اتمام حجت باشد که آقای روحانی همان ۱۸ اردیبهشت پارسال «چند هفته» به اروپایی ها فرصت داد و پس از آن هم آقایان ظریف و عراقچی، مهلت های دو ماهه را چهار پنج بار تمدید کردند اما این روند، به وعده های ضد برجانی و بی محتوایی نظیر راه اندازی کانال SPV و INSTEX منتهی شد!
- ۴-** آقای روحانی خودش می گوید پانزده سال قبل هم اروپایی ها معطل کدخدا بودند و حالا نیز همان است. خب پس چرا باید همچنان معطل و امیدوار آنها یا معطل بازگشت دموکرات ها به دولت در آمریکا باشیم؟
- ۵-** اکنون اجماع ملی کم نظیری درباره فرصت سوزی برجانی و خطا بودن وضعیت تعلیق و انتظار فراهم آمده که می تواند مقدمه خروج از بی عملی و معطلی فعلی باشد.
- ۶-** شش سال از بهترین فرصت ها و ظرفیت های کشور، پای آرزواندیشی و رویانندیشی و سپس خاطره بازی با برجانی تلف شد.
- ۷-** حالا هم دیر نیست. جلو ضرر را از هر جا بگیرند، منفعت است. فقط باید خواست و اراده کرد. خواستن است که توانستن را با خود می آورد و «ما می توانیم» را واقعیت می بخشد. بارها توانسته ایم و باز هم می توانیم.

حکم فریدون و هشدار به عدالت خواهان!

وطن امروز: تحلیل وضعیت کنونی کشور به هیچ روی کار آسانی نیست. دشواری و ابهام مذکور نیز بیش از هر چیز معلول عملکرد نامشخص مجموعه دولت در رابطه با مسائل مختلف است. هیچ کس نمی داند دولت دست آخر همچنان

معتقد به بازار آزاد است یا به کوپنی کردن برخی اقلام و کنترل نرخ‌ها رضایت خواهد داد؟! شواهد می‌گویند خود دولت هم دقیقا نمی‌داند! در موارد مشابه و متعدد دیگر هم وضعیت همین است.

بنزین، برجام، طرح تحول سلامت، حذف یارانه ثروتمندان، تعطیلی یا تداوم دلار جهانگیری و یک لیست بلندبالا در حوزه‌های مختلف را می‌توان به این فهرست افزود. کارها مدت‌هاست در وضعیت برزخی مانده است. انگار استخاره آقایان، میانه آمده باشد یا چیزی شبیه این! همزمان با این بی‌عملی که در برخی حوزه‌ها به انگاره بی‌دولتی محض دامن می‌زند، در حوزه فضای مجازی، مجموعه افکار عمومی کشور حکم گوشت قربانی را پیدا کرده‌اند. فضایی که با تاخت و تاز شبکه‌های اجتماعی خارجی، ما تقریباً هیچ حاکمیت خاصی بر آن نداریم و دولت هم ظاهراً از این وضعیت بدش نمی‌آید!

در میان تعدد سوژه‌ها اما «صدور حکم حبس حسین فریدون، برادر رئیس‌جمهور مستقر» طی روزهای گذشته را می‌توان به عنوان یکی از این نقاط روشن و مثبت در زمینه مبارزه با فساد بر سر دست گرفت. امری که ظاهراً در نگاه کسانی که دغدغه عدالت هم دارند، چندان واجد ارزش پرداخت و اهمیت نبوده است! این در حالی است که برخورد دستگاه عدلیه با مفسد نزدیکان رئیس‌جمهور مستقر هیچ‌گاه چنین مستحکم، قاطع و بدون مماشات نبوده است. صدور حکم حبس برای یکی از اقوام درجه یک رئیس‌جمهور مستقر با توجه به پرونده روشن او می‌تواند این معنای بدیهی را داشته باشد که عزم کاملاً قاطعی در برخورد با فساد وجود دارد؛ عزمی که می‌تواند هیچ استثنایی در بر نداشته باشد.

با تحریم‌کنندگان داخلی چه کنیم

صنعت: تأثیرات مخرب تحریم‌های اقتصادی آمریکا بر زندگی مردم، اقتصاد و نظام بانکی کشور ما دارد هر روز نمایان‌تر می‌شود و خوشبختانه مسوولان دولتی برخلاف گذشته که سعی در سرپوش گذاشتن بر اهمیت این تحریم‌ها برای اقتصاد ایران داشتند، حالا با صراحت و شفافیت بیشتری درباره خسارت‌ها و آسیب‌هایی که تحریم‌های اقتصادی دولت دونالد ترامپ بر کیان اقتصاد و خصوصاً درآمدهای نفتی ما وارد ساخته سخن می‌گویند. سخنرانی اخیر رئیس‌جمهور و بیانیه شورای امنیت ملی خطاب به رهبران اتحادیه اروپا که در آن به توقف موقتی برخی تعهدات ایران در ارتباط با برجام اشاره شده خود گواهی بر شدت ناراحتی و نارضایتی عالی‌ترین ارکان دولت و حاکمیت از تنگ‌تر شدن حلقه محاصره تحریم‌های اقتصادی آمریکا و بی‌تفاوتی و بی‌عملی اروپایی‌ها در قبال آنهاست. این یک نقطه مثبت در رویکردها و سیاست‌های اخیر دولت در قبال تحریم‌های اقتصادی یکجانبه آمریکا به حساب می‌آید که می‌تواند تا حدودی اعتماد از دست رفته مردم نسبت به گفتار و کردار دولت را ترسیم کند چون تا پیش از این در حالی که فشارهای معیشتی کمبودها و گرانی‌ها هر روز بیشتر و بیشتر می‌شد و نرخ تورم دو رقمی همراه با سقوط آزاد پی در پی ارزش پول ملی و اوج‌گیری نرخ دلار رکوردهای تازه‌ای را پشت سر می‌گذاشت مسوولان عالی‌رتبه دولت از شخص رئیس‌جمهور گرفته تا دیگران در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خود سعی در ناچیز و بی‌اهمیت جلوه دادن تحریم‌های اقتصادی داشتند و به موازات آن هر روز از اعتماد عمومی نسبت به دولت و دولتمردان کاسته می‌شد اما در ارتباط با موضوع تحریم‌ها نکته مهمی که اثرات مخرب آن بر اقتصاد و زندگی و معیشت مردم کمتر از تحریم‌های اقتصادی آمریکا نیست و می‌توان از آن به عنوان مکمل و تشدیدکننده آثار سوء این تحریم‌ها یاد کرد، تحریم‌هایی است که گردانندگان بازار مصرف داخلی اعم از تولیدکنندگان،

واردکنندگان، تجار، بنکداران، دلالان دانه‌درشت و متاسفانه برخی صنوف و خرده‌فروشان در این روزهای سخت دارند بر سبد هزینه خانوار تحمیل می‌کنند.

اینکه ناگهان در آستانه ماه مبارک رمضان قیمت خرماي محصول نخلستان‌های جنوب و شرق کشور که یکی از مواد غذایی انرژی‌زا برای روزه‌داران است، در خرده‌فروشی‌ها به طور نجومی افزایش پیدا می‌کند و به حدود کیلویی پنجاه، شصت هزار تومان می‌رسد، اینکه مشاهده می‌کنیم قفسه‌های انواع چای داخلی و وارداتی به ناگهان خالی می‌شود و بعد از گذشت چند روز همان پاکت‌ها و قوطی‌های چای به قیمت دو برابر روزهای گذشته، قفسه فروشگاه‌های کوچک و بزرگ شهر را پر می‌کند، اینکه می‌بینیم در کشور پهن‌آور و چهاراقلیمی چون ایران ظرف مدت کوتاهی قیمت گوشت قرمز در قصابی‌ها و فروشگاه‌های بزرگ شهر به محدوده کیلویی یکصد و بیست هزار تومان می‌رسد و همچون خاویار و دیگر خوراکی‌های گران‌قیمت و کمیاب به یک ماده غذایی لوکس، تجملاتی و غیرقابل دسترس برای اکثریت بسیار زیادی از گروه‌های کارمندی و کارگری کشور تبدیل می‌شود و اینکه قیمت بسیاری از دیگر کالاهای اساسی مورد نیاز مردم یک‌شبه چند برابر می‌شود و مقامات دولتی هم قادر به انجام کاری برای مقابله با این افزایش قیمت‌ها نیستند، یک واقعیت بسیار تلخ را به اثبات می‌رساند. واقعیت تلخ و انکارناپذیر این است که ما علاوه بر تحریم‌های خارجی، با پدیده ویرانگرتری به نام تحریم‌های داخلی دست به گریبانیم؛ تحریم‌هایی که ساختار بسیار معیوب اقتصاد رانتي و جماعتی از گردانندگان محوری حوزه تولید و تهیه و توزیع سیر تا پیاز کالاهای اساسی و مواد غذایی مورد نیاز عموم مردم مواجه هستیم که همچون اختاپوس بر همه ارکان کسب‌وکار، تجارت و مبادله کالا در داخل کشور چنگ انداخته‌اند و به صغیر و کبیر هم رحم نمی‌کنند.

حضور مهاجران افغانستانی برای اقتصاد ایران، فرصت یا تهدید؟

الف: ۱- درست است که مهاجران افغانستانی در حال حاضر بیش از ۲,۵ میلیون فرصت شغلی در کشور را در اختیار دارند اما این تحلیل که بازگشت ایشان موجب افزایش فرصت‌های شغلی برای بیکاران موجود کشور گردد، غیرواقعی هست، چراکه بخش اعظم مهاجران افغانستانی در حوزه خدمات شهری و نیز شغل‌های پایین‌دستی صنعت ساختمان و عمران کشور مشغول هستند و این رده‌های شغلی با شرایط و ویژگی‌های نیروی جویای کار ایران تناسبی ندارد.

۲- این احتمال وجود دارد که در صورت خروج مهاجرین، به سبب اینکه بخش قابل‌توجهی از شغل این عزیزان در شهرهای بزرگ است، به جهت جذابیت‌های شهری، موجب مهاجرت کشاورزان و روستائیان به شهرها جهت تصاحب فرصت‌های شغلی پیش‌آمده گردد و این امر مهاجرت روستائیان و حاشیه‌نشینی شهرها را افزایش می‌دهد.

۳- خروج این مهاجرین، موجب کمبود نیروی کار برای این مشاغل شده و عملاً هزینه‌های نیروی کار و تولید بخصوص در صنعت ساختمان و امور عمرانی، به شدت افزایش می‌یابد.

۴- برخی صنایع ایران که تولیدات آن‌ها قابلیت رقابتی داشته و به جهت کیفیت و قیمت پایین، از اولویت‌های صادراتی کشور محسوب می‌گردند در اختیار نیروی کار افغانستانی‌هاست.

۵- حضور خانواده‌های افغانستانی در ایران، موجب رفت‌وآمد خانواده‌های افغانستانی بین ایران و افغانستان گردیده است. سالانه میلیون‌ها افغانستانی به جهت دیدوبازدید اقوام خود به ایران سفر می‌کنند که این امر فواید اقتصادی و ارزآوری قابل‌توجهی برای ایران دارد.

۷- صادرات به کشور افغانستان طی سال گذشته به رقم حدود ۳ میلیارد دلار رسید که از ۸۸ گمرک و منطقه اقتصادی صورت پذیرفته است. این در حالی است که این رقم تا چندین برابر قابل افزایش است. برخورد سلبی با حضور مهاجران و ایجاد فضای تنش بین ملت دو کشور، قطعاً در کاهش این میزان صادرات تأثیر خواهد داشت.

۸- و نکته آخر اینکه، سرمایه اجتماعی بین کشورهای همسایه در اقتصاد بین الملل، نقش بسزایی در شاخص های اقتصادی کشورها دارد. همین سرمایه و اعتماد اجتماعی موجب تعامل و همکاری ملت ها و دولت ها در بحران های مختلف می گردد.

درمجموع حضور مهاجرین افغانستانی موجب کاهش هزینه نیروی کار، رونق تولید، رقابت پذیری کالای ایرانی، افزایش توریست، امکان افزایش صادرات غیرنفتی و نهایتاً ارتقاء سرمایه اجتماعی فی مابین ملت ها می گردد.

واکنش سپاه به پیشنهاد ترامپ

دنیای اقتصاد: معاون سیاسی سپاه: مذاکره ای با آمریکایی ها انجام نخواهد شد و آمریکایی ها هم جرأت اقدام نظامی علیه ما را نخواهند داشت. ترامپ فکر می کرد با تحریم ها و فشارهای جدیدی که آمریکا پس از خروج از برجام بر جمهوری اسلامی تحمیل می کند، ایران دچار نوعی به هم ریختگی داخلی می شود و در نهایت به مذاکره و گفت و گو با آمریکا تن خواهد داد، اما در عمل چنین اتفاقی نیفتاد. در سال ۹۷ تصور تیم ترامپ بر این بود که ایران دچار یک آشفتگی خواهد شد و برای رهایی از فروپاشی تن به مذاکره با آمریکا خواهد داد، اما در عمل چنین اتفاقی نیفتاد و آمریکایی ها به این جمع بندی رسیدند که باید چیزهای دیگری را چاشنی این تحریم ها کنند.

معاون سیاسی سپاه تاکید کرد: در سال جاری شاهد این بودیم که از یک طرف سپاه را در فهرست سازمان های تروستی قرار دادند و از طرف دیگر ناو هواپیمابر خودشان را به منطقه اعزام کردند و یک نوع ادبیات جنگی را در پیش گرفتند. به نظر می رسد تصور آنها این است که اگر یک نوع ادبیات نظامی را چاشنی تحریم ها و فشارهای اقتصادی خودشان بکنند، ملت ایران مرعوب شده و دولتمردان جمهوری اسلامی تن به مذاکره می دهند. این همان چیزی است که ترامپ در سخنان اخیر خودش اعلام کرده که آماده است تا مقامات جمهوری اسلامی با او تماس بگیرند و پای میز مذاکره بنشینند. سردار جوانی اظهار کرد: آمریکایی ها دچار نوعی بر آشفتگی و عصبانیت هستند و به خاطر استیصالی که دارند هر آنچه در توان دارند به میدان آورده اند تا بتوانند مقاومت ۴۰ ساله ملت ایران را بشکنند و نماد این امر هم تن دادن جمهوری اسلامی به مذاکره تحت فشار با دولتمردان آمریکا است.

